

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جامعة المصطفى العالمية

مجتمع آموزش عالی امام خمینی (ره)

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه

عنوان: نقد سنت‌گرایان بر فلسفه مدرن

به روایت رنه گنون و فریتيوف شوان

استاد راهنما:

دکتر محمد جاودان

استاد مشاور:

دکتر سید احمد فاضلی

طلبه:

محمد هادی مدنی

اردیبهشت ۱۳۸۹

هرگونه استفاده از این پایان نامه با ذکر منبع اشکالی ندارد و نشر

آن در کشور، به رعایت آیین نامه مربوطه جامعه المصطفی (ص)

العالمیه بستگی دارد.

تقدیم به:

بیروان راه حقیقت

تشکر و قدردانی

از راهنمایی‌های استاد محترم، جناب آقای دکتر محمد
جاودان و نیز از مشاوره‌های استاد محترم جناب آقای دکتر سید
احمد فاضلی که مرا در این تحقیق، یاری نمودند، بسیار
سپاس‌گزارم.

نیز از همه کسانی که در نگارش این تحقیق مؤثر بودند،
کمال تشکر را دارم.

چکیده

در پایان نامه حاضر سعی شده است که مهمترین انتقادهای سنت گرایان بر فلسفه مدرن به روایت رنه گنون و فریتیوف شوان بیان گردد.

در این راستا پایان نامه از سه بخش تشکیل شده است. در بخش اول بعنوان یک بحث مقدماتی کلیاتی در مورد فلسفه مدرن بیان شده و چهار جریان اصلی آن یعنی عقلگرایی، تجربه گرایی، ایده‌آلیسم و اگزیستانسیالیسم به صورت توصیفی توضیح داده شده و پس از آن ویژگی کلی فلسفه مدرن شمرده شده است.

در فصل دوم از بخش اول باز هم بعنوان یک فصل مقدماتی سنت و سنت گرایی به شکل توصیفی بیان گردیده و مؤلفه های آن چون حکمت جاویدان، وحدت متعالیه ادیان، هنر سنتی و انتقال مورد بحث قرار گرفته و مبنای دیدگاه های انتقادی سنت گرایان نسبت به مدرنیته روشن گردیده است.

در بخش دوم بعنوان بدنه ی اصلی پایان نامه ، در قالب سه فصل انتقادهای سنت گرایان بر فلسفه مدرن بیان گردیده است. در این راستا ابتدا در فصل سوم زمینه های فلسفه مدرن از یونان باستان تا دوره مدرن بررسی شده و عوامل زمینه ساز فلسفه مدرن با تحلیل گفتمانی از دیدگاه سنت گرایان تحلیل شده است. در فصل چهارم از بخش دوم یکی از مهم ترین نحله های فلسفه مدرن یعنی عقل گرایی با رویکرد انتقادی سنت گرایان مورد بحث قرار گرفته شده و مباحثی همچون حقیقت و واقعیت، صیروت و نسبیت، خود بنیادی، فردگرایی و ماتریالیسیم، بعنوان مؤلفه های فلسفه مدرن مورد نقد واقع شده است. در فصل پنجم تجربه گرایی در رابطه با علم نوین و پیامدهایش باز هم با رویکرد انتقادی سنت گرایان مورد بحث قرار گرفته شده و مباحثی مانند ماهیت علم نوین و مفروضات آن، و ماشینیسم و از خود بیگانگی مورد بررسی قرار گرفته شده است. و در بخش سوم نیز یک نتیجه گیری و ارزیابی نهایی از مجموعه بحث ها صورت گرفته و نکات مثبت و منفی دیدگاه های سنت گرایان در رابطه با سنت گرایی و فلسفه مدرن بیان گردیده است.

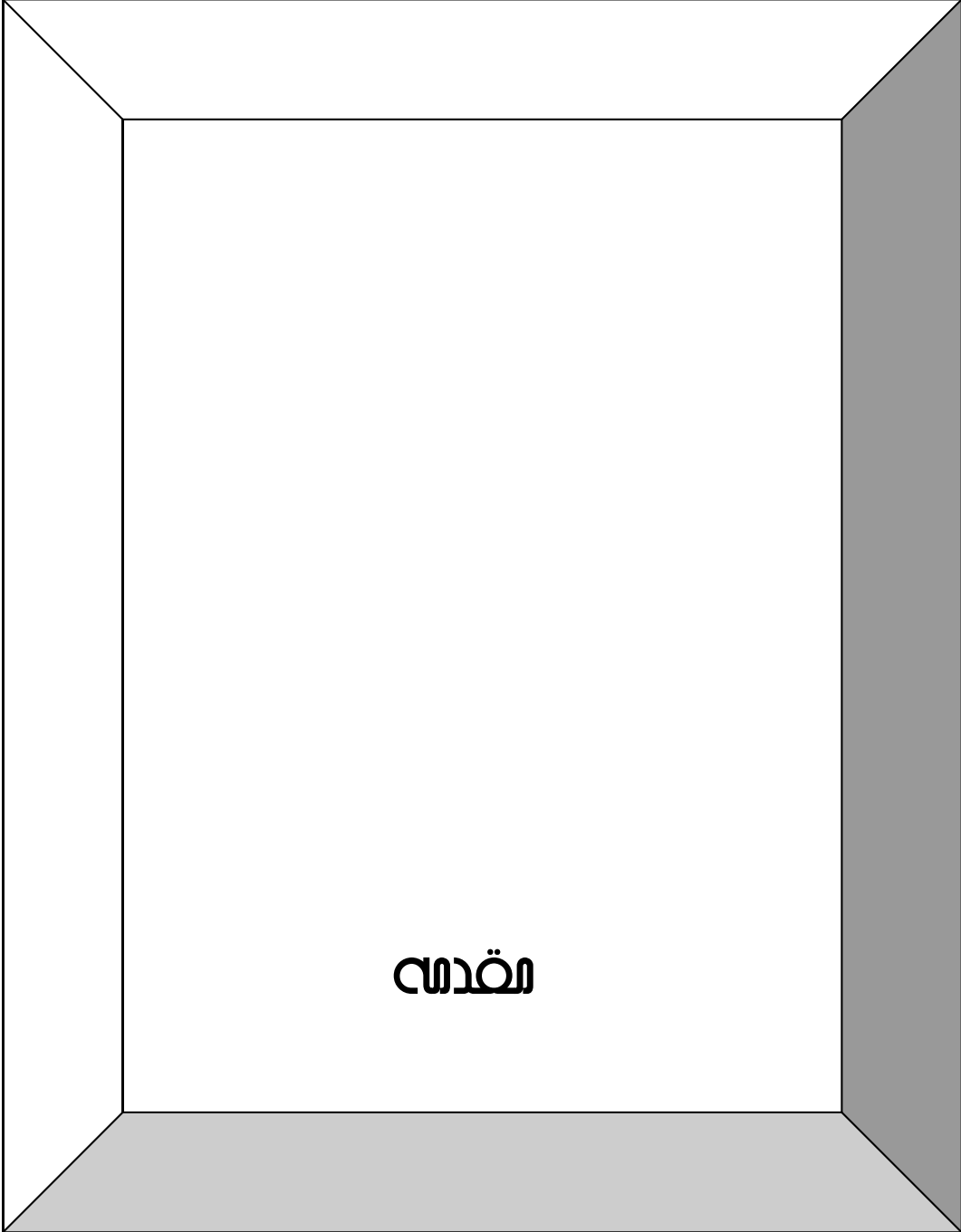
فهرست مطالب

مقدمه	۱
زندگی نامه، اندیشه‌ها و آثار رنه گنون	۳
زندگی نامه فریتيوف شوان	۶
بیان موضوع	۱۱
دلایل انتخاب موضوع	۱۲
موانع تحقیق	۱۲
نقد ادبیات موضوع	۱۳
سؤالات اصلی و فرعی	۱۳
فرضیه تحقیق	۱۴
سازماندهی تحقیق	۱۴
بخش اول: فلسفه مدرن و سنت گرایي	۱۵
فصل اول: فلسفه مدرن	۱۶
درآمد	۱۶
۱- عقل گرایي	۱۷
۱- رنه دکارت (۱۶۵۰-۱۵۹۶)	۱۷
۲- اسپینوزا (۱۶۷۷-۱۶۲۳)	۱۸
۳- لایب نیتز (۱۷۱۶-۱۶۴۶)	۲۱
تجربه گرایي	۲۲

۲۳	جان لاک
۲۴	برکلی ۱۶۸۵ - ۱۷۳۳
۲۶	دیوید هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶)
۲۷	ایده‌آلیسم
۲۷	ایمانوئل کانت (۱۷۲۹-۱۸۰۴)
۲۹	فردریش هگل (۱۷۷۰-۱۸۳۱)
۳۰	مراحل افقی سیر روح مطلق
۳۲	اگزیستانسیالیسم
۳۳	سورن کیرکگارد (۱۸۱۳-۱۸۵۵)
۳۴	فردریش نیچه (م ۱۹۰۰)
۳۵	مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶)
۳۶	ویژگی های کلی فلسفه مدرن
۳۸	نتیجه گیری
۳۹	فصل دوم: سنت و سنت‌گرایی
۳۹	تعریف سنت
۴۳	مؤلفه‌های سنت‌گرایی
۴۳	۱. حکمت جاویدان
۴۶	الف. عقل شهودی
۴۷	ب. علم مقدس

.....	ج. رمزپردازی	۴۹
.....	۲. وحدت متعالیه ادیان	۵۱
.....	۳. هنر سنتی	۵۴
.....	۴. انتقال	۵۶
.....	مدعیات سنت‌گرایان	۵۸
.....	الف. مدعیات هستی‌شناختی	۵۸
.....	ب. مدعیات انسان‌شناختی	۵۹
.....	ج. مدعیات معرفت‌شناختی	۶۰
.....	د. مدعیات اخلاقی	۶۱
.....	نتیجه‌گیری	۶۱
.....	بخش دوم: نقد سنت‌گرایان بر فلسفه مدرن به روایت رنه گنون و فریتیوف شوان	۶۳
.....	فصل سوم: زمینه‌های فلسفه مدرن	۶۴
.....	در آمد	۶۴
.....	۱- دوره‌ی یونان	۶۴
.....	دوره‌ی قرون وسطی	۷۰
.....	۳- دوره رنسانس	۷۴
.....	عنصر اومانیزم	۷۶
.....	تمدن جدید	۷۹
.....	نتیجه‌گیری	۸۰
.....	فصل چهارم: نقد عقل‌گرایی	۸۲

۸۲	۱- حقیقت و واقعیت
۸۳	۲- صیوروت و نسبیت
۸۵	۳- فلسفه به مثابه منطق
۸۸	۴- معرفت شناسی مدرن
۹۱	۵- فردگرایی
۹۳	۶- ماتریالیسیم (ماده‌گرایی)
۹۵	نتیجه گیری
۹۷	فصل پنجم: نقد تجربه‌گرایی
۹۸	ماهیت علم نوین
۱۰۳	توهم حرکت یکنواختی طبیعت
۱۰۴	علم نوین، ماشینیسیم و از خود بیگانگی
۱۰۵	نتیجه گیری
۱۰۷	بخش سوم: ارزیابی و نتیجه‌گیری نهایی
۱۲۵	منابع و مآخذ
۱۲۵	الف) کتاب‌های فارسی
۱۲۹	ب) مجلات
۱۳۰	ج) منابع انگلیسی و ترکی
۱۳۰	د) سایت‌ها



مقدمه

مقدمه

رساله حاضر با عنوان « نقد سنت گرایان بر فلسفه مدرن به روایت رنه گنون و فریتیوف شوان » برای تبیین اندیشه های سنت گرایان در رابطه با فلسفه مدرن نگاشته شده است. مدرنیته به عنوان دوره ای از ادوار تاریخ انسان غربی در قیاس با قرون وسطی دارای ویژگی ها و خصایص ویژه ای می باشد. بی تردید رنسانس، نهضت اصلاح دینی، انقلاب علمی، جنبش روشن گری و همچنین انقلاب صنعتی در ظهور و تکوین مدرنیته نقش اساسی داشته اند. تحولاتی که در این عرصه ها به وقوع پیوست در زمینه های فلسفه، فرهنگ، سیاست، اقتصاد، علم و خلاصه در همه زمینه های انسانی تأثیرات زیادی گذاشته اند. شاید بتوان روح مشترک همه این تحولات را ظهور اومانیسم و عقلانیت جدید دانست. اومانیسم فلسفه و نوع نگرشی است که انسان بر اساس آن خود و عالم را باز تعریف کرده، بر خلاف دوران قرون وسطی که خدا محوری به معنای مسیحی آن در آن دوره حاکم بود، انسان خود را در مرکز عالم قرار می دهد. به این ترتیب در کل تحولاتی که از رنسانس به بعد اتفاق افتاده است این روح اومانیستی خود را در همه عرصه ها نشان می دهد.

عقلانیت جدید هم جز انعکاس اومانیسم به معرفت شناسی و فلسفه جدید چیز دیگر نیست. عقلانیت نوین خود را در فلسفه و علم جدید همزمان نشان می دهد. در این راستا فیلسوفان بسیاری در راستای حل پرسش های بنیادین معرفتی بشر با تکیه بر همین عقلانیت جدید انواع و اقسام فلسفه ها را به وجود آورده اند. در کنار این در عرصه علوم هم دانشمندان بسیاری با تکیه بر همین نوع از عقلانیت در راستای تفسیر کردن جهان و پدیده های آن و همچنین برای تسلط بر

طبیعت، بسیار کوشیده‌اند. تحول و تغییرات در عرصه‌های فلسفه و علوم به سرعت در زندگی انسان غربی به نوبه خود دگرگونی‌های اساسی ایجاد کرده است. انقلاب صنعتی و انقلاب کبیر فرانسه همراه با این تحولات و مرتبط با آن به وقوع پیوست و تا کنون نیز این فرایند ادامه دارد. دگرگونی‌هایی که در این عرصه‌های مختلف صورت گرفته است، خود به خود جهان‌بینی خاصی را که در واقع مبتنی بر همین نظریات حاصل از فلسفه، علم و علوم اجتماعی بود، به وجود آورده است. این جهان‌بینی با دارا بودن مؤلفه‌های خاص خود سیری که از رنسانس آغاز شده بود به نتیجه رساند و مدرنیسم به عنوان جهان‌بینی و فلسفه جدید انسان نوین با مظاهرش کاملاً تجسم پیدا کرد. در این هنگامه با وجود آمدن ایدئولوژی‌های مختلف در عرصه نظریه سیاسی منجر به تأسیس نظام‌های جدید سیاسی و به دنبال آن هم جنگ‌های اول و دوم گردید.

فلسفه مدرن نیز در این فضا فکری و گفتمان مدرن قابل شناسایی می‌باشد. فلسفه مدرن گرایش‌های مختلف و حتی گاهی متضاد فکری را در خود جای داده و شامل اندیشه‌های گوناگون می‌باشد. مراد از فلسفه مدرن در تحقیق حاضر اندیشه‌های فیلسوفانی است که با دکارت شروع می‌شود تا نیمه اول قرن بیستم ادامه دارد.

بنابراین قلمروی تحقیق حاضر با این محدوده زمانی، معین گشته است. در این مقطعی از زمان فلسفه مدرن با وجود گرایش‌های متضاد فکری در خود، مسائلی را برجسته کرده است که باعث تمایز آن از فلسفه سنتی یا قرون وسطایی گردیده است. بحث‌های مو شکافانه معرفت‌شناختی، خود بنیادی، دوری از مباحث الهیاتی، راسیونالیسم، اثبات‌گرایی تجربی، نگاه بیرونی به مسئله آگاهی، نسبت‌گرایی و شکاکیت مجموعه مسائل مهم فلسفه مدرن می‌باشد که باعث به چالش کشاندن فلسفه قرون وسطی و آموزه‌های الهیاتی شده است. فلسفه مدرن با این ویژگی

ها و با انواع و اقسام گرایش های فکری عکس العمل‌هایی را برانگیخته و توسط جریانهای فکری نوین همچون پست مدرنیسم و سنت‌گرایی مورد نقد قرار گرفته است. در پایان نامه حاضر نیز سعی بر این شده است که نقدهای سنت‌گرایان بر فلسفه مدرن بیان گردد و از آنجا که این نقدها از دیدگاه سنت‌گرایانی همچون رنه گنون و فریتيوف شوان بیان خواهد شد، لازم است که قدری در مورد زندگی و اندیشه‌های شخصی این دو متفکر مطالبی ارائه داده شود.

زندگی‌نامه، اندیشه‌ها و آثار رنه گنون

رنه گنون René Guénon محقق سنت‌گرا و پرآوازه فرانسوی که در سال ۱۸۸۶ در شهر بلوئا زاده شد. پدرش معمار بود. تحصیلات اولیه‌اش را در زادگاهش سپری کرد. در ۱۹۰۴ به پاریس رفت و به مطالعه در حوزه ریاضیات و سپس فلسفه پرداخت. در جوانی جذب چندین انجمن نهان‌گرا شد و با کسانی چون لئون شامپرنو آشنا شد که با تصوف و عرفان اسلامی آشنایی داشت. گنون پس از آشنایی بیشتر با آموزه‌های شرقی، محافل نهان‌گرای پاریس را ترک گفت. در ۱۹۱۲ به دین اسلام مشرف شد اما ارتباط خود را با جریانهای فکری در پاریس قطع نکرد از آن جمله ملاقاتهایی با شخصیت‌های معروفی مانند ژاک مارتین و رنه گروسه و دیگران داشت. در ۱۹۲۱ نخستین کتابش به نام "مقدمه‌ای عمومی بر مطالعه عقاید هندو" را که نقطه عطفی در پژوهش‌های مربوط به آموزه‌های شرقی در غرب محسوب می‌شود، منتشر ساخت.

در ۱۹۳۰ پس از مرگ همسر فرانسوی‌اش، رهسپار مصر شد و تا پایان عمرش به عنوان مسلمان و با نام "شیخ عبدالواحد یحیی" در قاهره ماند. در آنجا با زنی مصری ازدواج کرد و صاحب دو دختر و دو پسر شد. او با مراجع برجسته مسلمان مصر ارتباط نزدیکی داشت، از آن

جمله با شیخ عبدالحلیم محمود که بعدها به شیخ الازهر معروف شد. گنون همچنین با محققان و مراجع سنت‌گرای سراسر جهان از قبیل آناندا کوماراسو آمی، مارکو پالیس، لئوپلدزیگلر و تیتوس بورکهارت مکاتبات بسیار داشت.

بسیاری از غربیانی هم که در جست‌وجوی تعالیم سستی (و همچون او در پی احیای سنت) بودند به ملاقاتش می‌آمدند.

در میان این گروه، فریتیف شوآن برجسته‌ترین بود و تا پایان عمر گنون با او ارتباط و مکاتبه داشت. گنون در شب ۷ ژانویه ۱۹۵۱ پس از طی یک دوره بیماری، درگذشت و مطابق شعائر اسلامی در یکی از قبرستانهای اطراف قاهره به خاک سپرده شد. گنون در قاهره به کار فکری که در فرانسه آغاز کرده بود ادامه داد و کتابها و مقالات فراوانی به رشته تحریر درآورد. این نوشته‌ها شامل بیست و نه کتاب و حدود ۵۰۰ مقاله در حوزه‌های دین، متافیزیک، علوم سستی، رمزپردازی و هنر مقدس، نهان‌گرایی، باطن‌گرایی (esotericism) و نقد دنیای مدرن است. مجموع آثار گنون را می‌توان به چندین مقوله بخش‌بندی کرد هر چند، به علت سرشت سستی اندیشه‌اش، یک ارتباط و پیوند درونی میان آثار گوناگون او وجود دارد. کتاب "مقدمه‌ای عمومی بر مطالعه عقاید هندو" صرفاً اولین اثری از او نبود که به چاپ رسید، این اثر مقدمه‌ای عمومی بود بر همه موضوعات عمده و اصلی نوشته‌هایش از جمله شرح و بیان او راجع به سنت، نقادی دنیای مدرن و بحثی درباره آموزه‌های شرقی که مبتنی بر وجوه متافیزیکی تعالیمش است. شماری از کتابهای گنون به طور خاص‌تر به نقادی دنیای مدرن و به بحث درباره معنا و اهمیت سنت‌های شرقی در جریان کشف مجدد سنت در غرب اختصاص دارد. این آثار عبارتند از "شرق و غرب" (۱۹۲۴)، "بحران دنیای متجدد" (۱۹۲۷) و "سیطره کمیت و علایم

آخرالزمان " (۱۹۴۵) گروهی از آثار گنون به پژوهش درباره باطن‌گرایی و نیز نقد و بررسی نهان‌گرایی و «معنویت‌گرایی»‌های غیراصیل می‌پردازند. این آثار بدین قرارند: "نکاتی درباره رازآموزی" (۱۹۴۶)، "تنوسوفی یا حکمت الهی تاریخ یک دین دروغین" (۱۹۲۱)، "اشتباه مکتب احضار روح" (۱۹۲۳)، و "رازآموزی و کسب مقام معنوی" (۱۹۵۲).

این آثار هم به متافیزیک و آموزه‌های شرقی می‌پردازند: "انسان و سیورورت او در نظر ودانتا" (۱۹۲۵)، "متافیزیک شرقی" (۱۹۳۹)، "معنای رمزی صلیب" (۱۹۳۱)، "مراتب متعدد وجود" (۱۹۳۲).

گنون همچنین آثاری در باب علوم سنتی و مدرن از منظر سنتی به رشته تحریر درآورد از قبیل: "سه عالم بزرگ" (۱۹۴۶)، "اصول حساب جامعه" (۱۹۴۶) و مجموعه مقالاتی که پس از مرگش منتشر شد، "رمزهای بنیادین علم مقدس" (۱۹۶۲). افزون بر این رنه گنون به ابعاد اجتماعی و سیاسی سنت نیز پرداخته است با آثاری چون دین و دولت یا "حجیت معنوی و قدرت دنیوی" (۱۹۲۹) و "سلطان جهان" (۱۹۲۷). کتاب اخیر که به بحث درباره مرکز متعالی سنت در این جهان می‌پردازد، همچنان بحث انگیزترین و معمایی‌ترین کتاب گنون برای متفکرین سنت‌گرا است.

گنون در بحث از سنت‌های گوناگون، عمدتاً بر شرق متمرکز می‌شود و بویژه به آیین هندو، آیین تائو (یا دائو) و اسلام. هر چند، درباره آیین بودا تقریباً سخنی نمی‌گوید و فقط بعدهاست که کیفیت سنتی آن را تا حدودی تأیید می‌کند. سنت مسیحی نیز مورد توجه او بوده و کتابهایی به آن اختصاص داده است از آن جمله: "نکاتی درباره باطن‌گرایی مسیحی" (۱۹۵۴)، "تعالیم باطنی دانتا" (۱۹۲۵) و "سنت برنار" (۱۹۲۹). دکتر سیدحسین نصر در نوشته‌ای راجع به گنون

که یکی از منابع مقاله حاضر است می‌گوید تأثیر گنون در طول دهه‌ها استمرار و گسترش یافته است. مشخصه آثار وی عبارتند از تأکید بر سنت، کلیت و نگاه عام، راست‌گویی (orthodoxy) و پرداختن به امور ذاتی و اساسی. گنون ناگهان در صحنه فکری و فرهنگی اروپا ظاهر شد و با جدیت عقلی و شور و حمیتی کم‌نظیر سعی کرد همه «ایسم‌ها» را بیچ در تفکر مدرن را از راسیونالیسم گرفته تا اگزیستانسیالیسم به کلی از میان بردارد. در پایان کتاب بحران دنیای متجدد می‌نویسد: «اغتشاش و نابسامانی، خطا و ظلمت فقط به ظاهر و برای مدتی گذران و ناپایدار می‌تواند فائق آید... و سرانجام هیچ چیز برتر و بالاتر از حقیقت نخواهد بود. شعار آنان باید همان باشد که در روزگاران کهن برخی آشنایان با اسرار معنوی در غرب داشتند «حق بر همه چیز غالب می‌شود»^۱.

زندگی‌نامه فریتیوف شوآن

فریتیوف شوآن (Schoon Frithjof) امروزه بزرگترین عرضه‌کننده آموزه‌های سنتی یا آن چیزی است که حکمت‌خالده خوانده می‌شود. آثارش، که بیشتر در اصل به زبان فرانسه نوشته شده است، به اکثر زبانهای اروپایی بویژه انگلیسی، و نیز به اکثر زبانهای کشورهای اسلامی، مثل عربی، فارسی، مالایایی و اردو برگردانده شده است. تفکر او نه تنها در هر دو طرف اقیانوس اطلس بلکه در سرتاسر جهان، از مالزی تا مراکش، از جنوب آفریقا تا برزیل، از جمله اروپا و امریکای شمالی شناخته شده است.

فریتیوف شوآن در ۱۹۰۷ در شهر بازل (Basle) سوئیس در خانواده‌ای آلمانی زاده شد.

۱. روزنامه ایران، ش ۲۹۰۹.

پدرش موسیقیدان بود و او در حال و هوایی هنری پرورش یافت. در محیط خانه علاوه بر موسیقی، هنرهای دیگر بویژه ادبیات مورد توجه بود و در این مرحله از زندگی‌اش بود که این استاد آینده مابعدالطبیعه و مطالعات تطبیقی ادیان، نه تنها با ادبیات اروپایی، بلکه با ادبیات شرقی‌ای که در آن زمان به صورت ترجمه در دسترس بود آشنا گشت.

اولین سالهای زندگی شوان در بازل سپری شد و همان‌جا به مدرسه ابتدایی رفت. پس از مرگ پدرش همراه مادرش که اهل آلزاس (Alsas) بود به فرانسه رفت و به تابعیت آنجا درآمد. از این رو توانست بر زبان فرانسه و آلمانی مسلط شود و به همین دلیل است که او در عین حال که زبان‌مادری‌اش آلمانی بود و اولین کتابش، (Urbesinnung Leitgedanken zur) و نیز دو جلد کتاب شعر روز و شب و سولامیت (Sulamith) به زبان آلمانی نوشته شد، همه کتابهای بعدی‌اش را به زبان فرانسه نوشت. انسان می‌تواند در شیوه نوشتن و تفکر شوان، ویژگی مابعدالطبیعی زبان آلمانی و وضوح زبان لاتین را ببیند که به خوبی در زبان فرانسه منعکس شده است. زبان فرانسه مهم‌ترین عامل انتقال میراث لاتین به تمدن اروپایی بوده است.

شوان به نحو شاخصی، شاگردی پیش‌رس بود؛ چرا که در اوان جوانی آثار عمده فلسفه آلمان را خوانده و درک کرده بود. بعلاوه، در خردسالی با آثار کلاسیک فلسفه غربی، بویژه گفتگوهای افلاطون و نیز برخی از آثار کلاسیک مابعدالطبیعه و معنویت شرقی آن‌گونه که در بهاگاوادگیتا (Bhagavad- Gita) و اوپانیشادها (Upanishads) آمده است آشنا گشت. نیز در همین سنین جوانی بود که آثار رنه گنون (Rene Guenon) را کشف کرد، همان کسی که مقدر بود که بعدها در هنگام حیاتش با او ملاقات کند و بیانش از معرفت سنتی را به صورتی بی‌سابقه ادامه و گسترش دهد. برخلاف آنچه از طریق این منابع می‌آموخت، دوره تحصیلات آموزشی

سخت و خشک در مدرسه که هم در ذات و هم در روش ضد سنتی بود، چیز بیشتری برای عرضه به شوآن نداشت و به همین دلیل وی در شانزده سالگی مدرسه را ترک کرد. او به هنر بازگشت که از کودکی بدان عشق می‌ورزید، اما هنوز در آن به مهارتی دست نیافته بود. این فعالیت نمایانگر آغاز زندگی هنری اوست که سالها به موازات فعالیت عقلی ادامه یافت. زیرا شوآن در عین حال که عالمی مابعدالطبیعی است، نقاش و شاعری برجسته نیز هست.

کمی پس از این دوره فعالیت هنری، شوآن به ارتش فرانسه پیوست و یک سال و نیم در آنجا خدمت کرد. با پایان یافتن خدمتش، در پاریس رحل اقامت افکند و کارش را در طراحی ادامه داد. در عین حال شروع به آموختن زبان عربی در مسجد پاریس کرد و توانست به تجربه دست اول هنر اسلامی و دیگر صورتهای غیر غربی هنر، که همیشه بدانها عشق می‌ورزید و آن همه صفحات درخشان را در سالهای بعد درباره آنها نوشت، دست یابد. موزه‌های غنی پاریس این امکان را فراهم آوردند تا او از صورتهای گوناگون هنر سنتی، از جمله هنر ژاپن که عمیقاً آن را می‌ستود، مطلع شود.

پاریس این امکان را هم برایش فراهم کرد که بیشتر با جنبه عقلی جهان‌های سنتی گوناگون آشنا شود، پیش از آن که در ۱۹۳۲ عازم اولین سفرش به چنان جهانی شود. در آن سال او از الجزایر دیدن کرد که مانند مراکش، در آن زمان هنوز شاهی بر حضور پویای زندگی سنتی بود. در آنجا، شوآن اولین مواجهه مستقیمش را با جهان اسلامی تجربه کرد و توانست به معرفتی عمیق از سنت اسلامی، از درون دست یابد. این معرفت نه تنها شامل هنر و تفکر اسلام بود، بلکه بویژه شامل بعد باطنی سنت اسلامی یا عرفان اسلامی می‌شد. شوآن بعداً حقایق عرفان اسلامی را به روشی خیره‌کننده، بر جهان غرب آشکار کرد. در آنجا توانست برخی از نمایندگان مهم زنده

عرفان اسلامی، از جمله یکی از بزرگترین چهره‌های عرفان اسلامی معاصر، شیخ احمد العلوی، را هم ملاقات کند. برخی از زیباترین اشعار آلمانی شوآن منعکس کننده تأثیرات عمیق این سفر بر اوست که نه تنها سفری ظاهری، که سفری معنوی نیز بود.

شوآن به اروپا برگشت؛ همان جا که تواناییهای معنوی و عقلی‌اش در اولین مقالاتش آشکار شدند. در ۱۹۳۵ به شمال آفریقا بازگشت و این بار نه تنها از الجزایر، بلکه از مراکش نیز دیدن کرد. در ۱۹۳۸ برای سومین بار به شمال آفریقا سفر کرد. این بار به مصر رفت و با رنه گنون ملاقات کرد و سالها با او مکاتبه داشت. یک سال بعد شوآن تصمیم گرفت از هند دیدن کند؛ کشوری که سنتهای حکمی‌اش از جوانی او را مجذوب کرده بود. یک بار دیگر در مصر توقف کرد و دوباره اوقاتی را با رنه گنون گذراند. آنگاه به هند رفت؛ هرچند که به خاطر بروز جنگ جهانی دوم نتوانست زیاد در آنجا بماند.

در نتیجه مجبور به بازگشت به فرانسه شد تا به ارتش فرانسه بپیوندد و در جنگ شرکت کند. سربازان آلمان او را دستگیر و زندانی کردند. اندکی بعد آلمانها تصمیم گرفتند زندانیهای آلمانی‌الاصل را داخل ارتش آلمان کنند. شوآن که فهمید به زودی باید در خط مقدم، به نفع آلمان بجنگد فرار کرد و به سوئیس رفت و در نهایت در همان جا ساکن شد و حتی تابعیت سوئیس را پذیرفت.

چهل سال بعدی زندگی شوآن در سوئیس اکثراً در لوزان سپری گشت. در آنجا بود که در ۱۹۴۹ با یک خانم سوئیسی آلمانی ازدواج کرد که تربیتی فرانسوی داشت. اولین کتابش به زبان فرانسه، وحدت متعالی ادیان بود. این اثر بی‌درنگ او را یک حکیم و عالم مابعدالطبیعی بی‌نظیر و معنوی‌ترین شارح آموزه‌های سنتی معرفی کرد. شوآن با این که از منظر عامه دور بود، کسانی که